



آیت‌الله شب‌زنده‌دار

حاج شیخ عبدالکریم حائری قزوینی

احیاگر حوزه علمیه قم و پایه‌گذار انقلاب اسلامی

بازتأسیس حوزه علمیه قم توسط آیت‌الله حائری یزدی، عامل شکل‌گیری انقلاب اسلامی و ظهور شخصیت‌هایی مانند آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی و امام خمینی و تأسیس جمهوری اسلامی گردید و بنیانگذار تحولات بزرگی در تاریخ معاصر ایران شد. حوزه علمیه قم امروز مدیون احیای مجدد توسط این عالم وارسته است که نامش در تاریخ حوزه‌ها جاودانه مانده است. متن پیش‌رو حاصل گفت‌وگوی آیت‌الله شب‌زنده‌دار، دبیر شورای‌عالی حوزه‌های علمیه با مر کر رسانه و فضای مجازی حوزه‌های علمیه است که تقدیم خوانندگان ارجمند هفته‌نامه افق حوزه می‌گردد.

■ **حاج شیخ عبدالکریم حائری**، **چه ویژگی‌های اخلاقی، علمی و مدیریتی داشت که امام خمینی**، **با آن دقت و سخت‌گیری در سنجش افراد، مریدایشان شدند؟**

• سخن از شخصیت بزرگواری است که عبدالکریم است و تمام برجستگی‌ها و جاذبه‌اش در همین واژه عبد نهفته است؛ چراکه او عبدالکریم بود و لدی‌الکریم بر او وارد شد.

حاج شیخ در زمره بزرگانی است که در آسمان تقوا، علم، فضیلت، تدبیر، سیاست‌ورزی و بسیاری از صفات برجسته انسانی و الهی، درخششی ویژه داشت و این درخشندگی در حدی بود که اکابر علما، از جمله امام راحل،، مرید او بودند؛ امامی که بسیار دقیق بود و به این آسانی دل به کسی نمی‌سپرد؛ اما مرید استاد خود، حاج شیخ بود. شنیده‌ام که امام در یکی از بیانات‌شان فرموده‌اند: یکی از امتیازات حاج شیخ این بود که حب ریاست نداشت؛ با آنکه مرجعی عام بود و تمام ایران، الا نادری، از ایشان تقلید می‌کردند؛ اما حب ریاست در وجود ایشان راه نداشت.

خصوصیاتی که ایشان دارند، خصوصیات فراوانی است و این ناچیز که شرف یادکردن از این بزرگوار را در لحظاتی پیدا کرده‌ام، برخی از این ویژگی‌ها را که از منابع مختلف و از اساتیدمان و اقوام و خویشان و نیز فرزند ایشان که مدت‌ها در محضرشان تلمذ کردم، یا از بزرگان دیگر شنیده‌ایم، به‌عنوان عرض ادب بیان می‌کنم. حاج شیخ حقیقتاً مردی پرپرکت است. حوزه علمیه قم به‌پرکت آن بزرگوار حیاتی دوباره یافت. اگرچه حوزه قم پیشینه‌ای هزارساله دارد و از زمان که اشعریون به قم آمدند، این شهر حوزه‌ای مهم به‌شمار می‌رفته و بزرگانی در آن زیسته‌اند؛ مانند علی‌بن ابراهیم و ابن‌بابویه والد شیخ صدوق و میرزای قمی و حتی نقل شده که برخی بزرگان، از مسجد امام حسن علیه‌السلام تا حرم حضرت معصومه علیه‌السلام کشش از پا در می‌آوردند و می‌گفتند: قبرستان قدیم قم مشحون از محدثین و روات است.

■ **نقش حاج شیخ در احیای حوزه علمیه قم چه بود و چرا او را مبدأ تحول این حوزه می‌دانند؟**

• اگرچه حوزه قم چنین پیشینه‌ای دارد؛ اما مبدأ این حیات بالنده و جهانی با برکتانی که بر آن مرتب شد، مرحوم حاج شیخ است. باید گفت یکی از برکات حاج شیخ، امام راحل و این انقلاب است؛ چراکه بذرهایی را که ایشان کاشتند، به درختان تنومندی بدل شد؛ از جمله مراجع بزرگوار، نویسندگان، مبلغان و مروجینی که در رأس آنان حضرت امام علیه‌السلام قرار دارد. از برکت وجود ایشان، انقلاب اسلامی، حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی برپا شد که این‌ها از ثمرات کارهای ارزشمندی است که حاج شیخ انجام دادند.

تولد ایشان نیز بر پایه تقوا بوده است؛ چراکه حاج جعفر، پدر بزرگوار ایشان، از همسر دائمی خود فرزنددار نمی‌شد و گاه برای داشتن فرزند، ازدواج موقت اختیار می‌کرد. روزی که ایشان به منزل همسر موقت خود می‌رود، آن خانم دختری از شوهر قبلی خود داشته است. قصد داشت آن کودک را به خانه همسایه بفرستد؛ اما حاج جعفر دید که برای آن کودک سنگین و دشوار است که به خانه همسایه برود. این صحنه او را سخت ناراحت کرد؛ پس با خدا چنین زمزمه کرد که [خدایا] نمی‌خواهم دل یتیمی را بشکنم، از همسر دائمی‌ام فرزندی عطا فرما! حاج جعفر، برای رضای خدا، دیگر به آن منزل نرفت و خدای متعال نیز به‌پاس این اخلاص، فرزندی از همسر دائمی‌اش به او عطا فرمود و آن فرزند، همان حاج شیخ بود؛ بنابراین، تولد ایشان بر اساس تقوا و به‌جهت دل‌نشکستن یتیمی رقم خورد و خداوند این هدیه را به حاج جعفر عطا فرمود تا منشأ خدماتی عظیم گردد و نامش تا همیشه بر تارک عالمان و حوزه بدرخشد.

■ **اوج علمی حاج شیخ در فقه و اصول چگونه بود و چه شواهدی بر این موضوع وجود دارد؟**

یکی از وجوه برجسته در شخصیت ایشان که بزرگان نیز به آن معترف‌اند، اوج علمی و مرتبه بلند فقهی و اصولی اوست. حاج شیخ در حقیقت چهار حوزه علمیه را درک کرده بود: نخست، حوزه یزد که در آن‌جا بخشی از مراحل علمی و ادبیات عرب را طی نمود. سپس به‌همراه والده مکرمه‌اش به کرپلا مشرف شدند؛ در زمانی که مرحوم فاضل اردکانی در آن‌جا حضور داشت و فاضل اردکانی شخصیتی بسیار بزرگ و از عجایب روزگار است؛ به‌گونه‌ای که برخی اشکالات دقیق و بنیادی در علم اصول، منسوب به اوست.

مرحوم میرزای شیرازی بزرگ نقل می‌فرمود که سفری با حاج شیخ به کرپلا رفتم. من در مجلس درس فاضل اردکانی شرکت کردم. دیدم او بر فرمایش شیخ انصاری اشکال و نقدی وارد کرد. در راه بازگشت که با حاج شیخ همراه بودیم، گفتم: فاضل اردکانی مناقشه‌ای برکلام شیخ انصاری کرد. حاج شیخ به تفکر فرو رفت و این اندیشه تا رسیدن به نجف ادامه داشت. ظاهراً همین اشکال، موجب شد که نظر حاج شیخ نیز در آن مسأله تغییر کند. مرحوم شیخ مرتضی حائری نقل می‌کند که زمانی که رسائل را در محضر آیت‌الله‌العظمی محمدتقی خوانساری می‌خواندیم که ایشان فرمود: «آن اشکال احتمالاً بخش قسم ثانیه استصحاب کلی بوده است.»

■ **چه ویژگی‌های علمی و اخلاقی در حاج شیخ وجود داشت که باعث شد، آیت‌الله فاضل اردکانی، با وجود جایگاه و فضل علمی والا،**



شدود و اعوجاج دیده می‌شود؛ اما برخی دیگر در کنار قوت و مناتت فکری، اندیشه‌ای زلال دارند. مرحوم حاج شیخ از این سنخ بود؛ فکری زلال و ژرف که این ویژگی در آثار قلمی ایشان نیز به‌خوبی هویداست. برای مثال، کتاب دررالأصول ایشان، به‌روشنی بیانگر همین صفای فکر و دقت علمی است. ایشان در ابتدا درر الأصول را به‌عنوان حاشیه‌ای بر رسائل نگاشتند که از مباحث قطع به بعد را شامل می‌شد. این نسخه را نیز خود در خدمت فرزندشان، مرحوم آیت‌الله شیخ مرتضی حائری ملاحظه کردم. بعدها تصمیم گرفتند، آن را به کتابی مستقل تبدیل کنند؛ لذا ابتدا مباحث الفاظ را نگاشتند که جلد اول درر شد و سپس مباحث بر رسائل را نیز به کتابی مستقل تبدیل نمودند؛ به‌گونه‌ای که جلد دوم در اصل همان حاشیه بر رسائل شیخ اعظم بود. این اثر، از حیث سلیقه علمی، روانی بیان، دقت در تنظیم مطالب و خوش‌بینی برجسته است تا جایی که بزرگانی همچون آیت‌الله‌العظمی فاضل لنکرانی و آیت‌الله‌العظمی شبیری زنجانی پیشنهاد دادند که دررالأصول می‌تواند به‌عنوان کتاب درسی جایگزین کفایه شود.

این کتاب خیلی مورد اعتنای بزرگان قرار گرفت و حواشی بر آن زده شد. بزرگانی از تلامذه خود او، از جمله آیات عظام آشتیانی، گلپایگانی، اراکی و تقفی ابوالزوجه امام راحل بر آن حاشیه زدند. این کتاب مورد عنایت بزرگان بوده است. شیخ محمدحسین اصفهانی مکرر مطالب ایشان را به‌عنوان «بعضی الأجله» نقل می‌کند.

حاج شیخ مردی سلیم‌الفکر و دقیق‌النظر و در عین حال دارای عبارات رسا، خوش‌بیان و خوش‌قلم بود. همچنین کتاب‌الصلاة حاج شیخ که آیت‌الله‌العظمی بروجردی در درس می‌فرمودند که کتابی به این ایجاز و پرمغزی که در عین حال که مطول نیست؛ اما پرمغز است، کمتر چنین کتابی دیده بوم.

■ **داستان نگارش کتاب «الصلاة» توسط حاج شیخ چه نکته‌ای درباره سطح علمی او در جوانی نشان می‌دهد؟**

• در پرناتر عرض می‌کنم که منشأ نوشتن کتاب الصلاة این بوده که حاج شیخ در سن ۲۴ سالگی مسأله‌ای درنماز برای ایشان پیش می‌آید. خدمت استادشان مرحوم فشارکی می‌روند و مسأله را می‌پرسند. استاد می‌فرماید: «تو باید اینها را استنباط کرده باشی؛ پس چرا مسأله‌اش را می‌پرسی؟» این یعنی مرحوم فشارکی در همان ۲۳، ۲۴ سالگی در حاج شیخ قوه اجتهاد می‌دیده است. این فضل و صلاحیت را مرحوم فشارکی بزرگ که همه نسبت به ایشان خاشع بوده و برخی حتی او را نسبت به آخوند هم مقدم می‌شمارند، بیان کرده است. این واکنش استاد باعث می‌شود که حاج شیخ کتاب الصلاة را بنویسد.

■ **در مورد رسیدگی به امور طلاب و خدمات اجتماعی حاج شیخ توضیح دهید.**

• جنبه ملاطفت، دوستی و مهربانی در ایشان چنان قوی بود که نقل شده: پس از مشرف‌شدن به قم و تشکیل حوزه، عمده تلامذه مهم خود را نامه نوشتند که به قم بیایند. آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی و حضرت امام علیه‌السلام برای استفاده از شیخ به قم آمدند.

دورانی که حاج شیخ مسئولیت حوزه قم را بر عهده داشتند، یک سال برای ایشان فراهم نشده بود که زغال زمستانی برای طلاب تهیه کنند. زمستان سرد بود و خادم منقل را برای شیخ آورد؛ اما ایشان نپذیرفتند و فرمودند: «تا وقتی نتوانم زغال برای گرمایش طلاب فراهم کنم، خودم را نیز گرم نخواهم کرد.»

پدرم از آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی نقل می‌کند که می‌فرمود: «من در فیضیه حجره داشتم و بیمار شدم. حاج شیخ در منزل دارو تهیه می‌کردند و دارو را به حجره می‌آوردند یا مثلاً آش و سوپ می‌آوردند.»

این‌گونه دلسوزی، مهربانی و ملاطفت در ایشان مشهود بود.

یکی از داروخانه‌ها در زیرگذر خان، به طرف مسجد آیت‌الله‌العظمی بهجت و در دست چپ قرار داشت که به‌نام داروخانه شفاعتش شناخته می‌شد. حاج شیخ علیه‌السلام به این داروخانه گفته بودند که افراد مستمند وقتی می‌آیند، داروها را به حساب من به آنان بدهید. در این راستا یکی از آقایان نقل می‌کند که شبی پیش حاج شیخ رفتم، گفتند که ایشان تشریف ندارند و بیرون رفته‌اند. من منتظر ماندم و دیدم ایشان برگشتند؛ اما نه عبا داشتند و نه عمامه. گفتم: عبا و عمامه‌تان کجاست؟ ایشان پاسخ دادند: «به داروخانه گفته بودم، حالا رفتم تا حساب کنم.» از خانه تا آنجا را با قبا و شب‌کلاه طی کرده بودند.

این‌گونه رفتارها بود که امام راحل می‌فرمودند: حاج شیخ اصلاً به دنیا توجه نداشت و تمام هم و غم ایشان، اطاعت از خدا و رسیدگی به امور مسلمین بود. سلیلی که در قم آمد، حاج شیخ در خاکفرج منازلی ساختند. ایشان همچنین بانی بیمارستان سهامیه در چهارراه

بیمارستان بودند.

■ **دعوت مراجع ثلاث (آیات عظام حجت، صدر و خوانساری) از آیت‌الله بروجردی برای هدایت حوزه، چه درس‌هایی برای طلاب و روحانیون امروز قابل الگوبرداری است؟**

• مراجع ثلاث حوزه علمیه را اداره کردند تا زمانی که آیت‌الله بروجردی را برای هدایت حوزه دعوت کردند. این دعوت داستان عجیبی دارد. این سه بزرگوار درحالی‌که خود از علما و مراجع برجسته بودند، تشخیص دادند که آیت‌الله بروجردی برای جهان اسلام مفیدتر است و به‌همین دلیل او را به قم دعوت کردند. برخی از بزرگان حوزه به درس ایشان رفتند و از محضر ایشان بهره‌مند شدند. آیت‌الله بروجردی در بالای منبر فرمودند: «من علم را از قدمای قمیین و تقوا را از معاصرین آموختم؛ کسانی که هوا و هوس ندارند.»»

اگر امروز حوزه علمیه قم، بالنده و پرپرکت شده است، به‌پرکت تقوا و اخلاص این بزرگواران است. این‌ها اموری است که باید در هر زمانی مورد توجه و اهتمام قرار گیرد.

■ **حاج شیخ در دوران رضاخان چگونه با تدبیر خود حوزه علمیه قم را حفظ کرد؟**

• جهت دیگری که در آن بزرگوار بسیار برانزده است، تدبیر و عقل ایشان و درک سیاسی ایشان است. حاج شیخ شناخت عمیقی از زمان و شرایط سیاسی داشت و توانست، راهکارهایی مناسب برای برون‌رفت از مشکلات پیدا کند. اگر کسی مطالعه کند که در زمان رضاخان ملعون، حوزه و تشیع در چه مضیق‌ه‌های عظیمی قرار گرفته بود، متوجه خواهد شد که او تمام مظاهر دیانت را ممنوع کرده و حوزه را در شرایط سخت و دشوار قرار داده بود. امام خمینی می‌فرماید که ما در شهر نمی‌توانستیم بنامین و مجبور بودیم، به سالاریه برویم که آن زمان خارج از قم بود.

در چنین شرایطی، حاج شیخ حوزه علمیه قم را تشکیل داد و با تدابیر حکیمانه و هوشمندانه خود، حوزه را از خطر نابودی و دیانت مردم را از آسیب‌ها حفظ کرد. این امر نشان‌دهنده سیاست‌مداری قوی، هوشمند و مسلط به‌کار و آگاه به ضرورت‌های زمانه بود. حاج شیخ توانست، به‌درستی تشخیص دهد که چگونه باید عمل کند تا بر حوزه و ارزش‌های دینی تحفظ کند. این ویژگی‌ها از جمله برانزدگی‌های مهم حاج شیخ است که هم مسیر درست را شجاعانه انتخاب کرد و هم استوار در آن حرکت نمود.

■ **چرا برخی در آن زمان از حاج شیخ انتقاد می‌کردند و او چگونه با این انتقادات برخورد کرد؟**

• در همان زمان، منتقدین فراوانی وجود داشتند که درک درستی از شرایط نداشتند و خواسته‌های تندی از حاج شیخ داشتند؛ اما او در مقابل فشارها ایستاد؛ زیرا می‌دانست که اگر اقدامی نادرست صورت گیرد، چراغی که روشن است، خاموش خواهد شد و بیم آن می‌رود که کشور تبدیل به کشوری غیراسلامی شود؛ به‌همین دلیل، حاج شیخ با شجاعت در میدان بود و درک درست و عمیقی از شرایط سیاسی داشت. تشخیص این مسائل برای حفظ دیانت و حوزه بسیار مهم بود.

در اینجا داستانی از تیزبینی امام خمینی نقل می‌کنم که می‌تواند به فهم بهتر این مطلب کمک کند. پدرم می‌گفت که مرحوم ربانی شیرازی به او گفت که از لرستان بختیاری‌ها به آنها مراجعه کرده و گفته‌اند که امام هر مقدار اسلحه بخواهد، تأمین می‌کنند. در آن زمان، مرحوم ربانی شیرازی شاگرد امام نبودند و ارتباط زیادی با ایشان نداشتند. مرحوم ربانی به پدرم گفته بود که این درخواست را خدمت امام عرض کنید. امام در پاسخ فرمودند که ما بنا نداریم که دست به اسلحه ببریم. اگر دولت یک در میلیون احتمال بدهد که ما دست به اسلحه می‌بریم، تمام تلاش‌ش را می‌کند تا همه را قلع و قمع کند.

حاج شیخ هم به‌خوبی می‌دانست که اگر دست به اقدام تند بزند، اصل دیانت و حوزه به خطر خواهد افتاد. در عین حال، نقل شده که ایشان گفته بودند: من طالب شهادت هستم؛ اما شهادت جایی است که بر حسب وظیفه باشد. این همان سیاست درست و واقعی است که انسان باید زمان و شرایط را بشناسد و موقعیت صحیح را اتخاذ کند تا به هدف برسد؛ لذا یکی از برانزدگی‌های مهم حاج شیخ همین سیاست‌مداری پخته، دقیق و عمیق ایشان بود.

■ **قصیده مرحوم صدر در سوگ حاج شیخ، و رؤیای ایشان درباره حاج شیخ چه بود؟**

• مرحوم صدر پس از ارتحال حاج شیخ، قصیده‌ای سرودند که فرازی از نیم‌بیت پایانی آن چنین بود: «لَدی الْکَرِیم حَلْ ضَیْفَا عُبْدَه»، که به حساب ابجد می‌شود ۱۳۵۵، سال وفات حاج شیخ عبدالکریم حائری به سال‌های قمری. خود مرحوم صدر که این شعر را گفته بود، در خواب حاج شیخ را در تالاری بهشتی می‌بیند. آیت‌الله صدر علیه‌السلام نزد حاج شیخ می‌رود و از ایشان می‌پرسد: «حالتان چطور است؟» حاج شیخ در جواب همان نیم‌بیتی را که صدر سروده بود، گفت: «لَدی الْکَرِیم حَلْ ضَیْفَا عُبْدَه»؛ یعنی «بنده کریم به‌عنوان مهمان وارد بر کریم شد» و سپس صدر بیدار شد. این ماجرا در کتاب «جرعه‌ای از دریا» از آیت‌الله شبیری زنجانی آمده است.

حوزه‌ای که حاج شیخ تأسیس کرد، به‌واسطه بزرگان و علمایی همچون آیات عظام صدر، حجت، خوانساری، بروجردی و مراجع بعدی همچون امام و گلپایگانی و دیگر مراجع تا به امروز برپا بوده و آثار بزرگی از آن پدید آمده است. از جمله این آثار، انقلاب اسلامی است که به‌عنوان یکی از دستاوردهای بزرگ آن حوزه شناخته می‌شود و این‌شاء‌الله تا ظهور حضرت حجت علیه‌السلام، استمرار خواهد داشت.